

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

11.444

۸۷/۱/۱۰۷۷۸۹
۸۸/۱/۲۵



دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات عرب

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
زبان و ادبیات عرب

عنوان پایان نامه
نمادهای ادب مقاومت در شعر امل دنقل

استاد راهنما:

دکتر علی سلیمی.

استاد مشاور:

دکتر جهانگیر امیری

نگارش:

اکرم چقازردی

آبان ماه ۸۶

۱۳۸۸ / ۱ / ۲۱

۱۱.۴۶۴



کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات عرب

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب

نام دانشجو
اکرم چقازردی

تحت عنوان
نمادهای ادب مقاومت در شعر امل دنقل

در تاریخ ۸۲ / ۸ / ۲۱ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد / استادان راهنمای پایان نامه دکتر علی سلیمی با مرتبه علمی امضاء

۲- استاد / استادان مشاور پایان نامه دکتر جهانگیر امیری با مرتبه علمی امضاء

۳- استاد / استادان داور داخل گروه دکتر شهریار همتی با مرتبه علمی امضاء

۴- استاد / استادان خارج از گروه دکتر فرامرز میرزایی با مرتبه علمی امضاء

۱۱۰۴۶۴

تقدیر بہ شہیدانِ راکہ حق

چکیده

ابو القاسم امل فهیم محارب دنقل در سال ۱۹۴۱، در روستای قلعه، از توابع استان قنا، زاده شد. در ده سالگی پدر خود را از دست داد. در سال ۱۹۵۸ وارد دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره شد. اما جز یک سال را نتوانست در آنجا دوام بیاورد. پس به زادگاهش باز گشت و در دادگستری قنا مشغول به کار شد. پس از مدتی راهی اسکندریه شد و در آنجا زندگی را از سر گرفت. از آنجا به شهر سوئز، در مصر رفت و سپس بار دیگر به قاهره باز گشت و تا پایان عمر خود در همان جا، اقامت گزید. دواوین شعری او شامل، مقتل القمر، البكاء بین یدی زرقاء الیمامه، تعلیق علی ما حدث، عهد الاتی، اقوال جدیده عن حرب البسوس و اوراق الغرفه الثامنه می باشد.

امل دنقل ملی گرا، وطن پرست و از مخالفان سازش ناپذیر و پر آوازه صلح اعراب و اسرائیل بود. این شاعر بزرگ در نقش یک منتقد سیاسی و توانمند، با درک صحیح از رخدادها و وقایع، با شجاعت و جسارت تمام در مقابل کژیها و کاستیها می ایستاد و فریاد می کشید و از مشکلات و مسائل موجود در جامعه همچون وضعیت بد معیشتی، مشکلات اجتماعی، اوضاع نابسامان سیاسی - اقتصادی، خفقان و نبود آزادی و .. انتقاد می کرد.

وی با سرودن قصاید بلند خود که اغلب چون بیانیه ها و شب نامه های سیاسی بود، عقاید تند انتقادی خود را ابراز می کرد و در تلاش بود تا بیش از آنکه شخصی شورشی و فعال در عرصه انقلاب شود، شاعری متمرد و عصیان گر باشد به همین جهت، وی ملقب به ملک الشعرا^۱ی مخالفت^۱ در میان شعرا ادبیات مقاومت شد.

امل دنقل معضلات کنونی اعراب را ناشی از دوری گزیدن از سر چشمه های فرهنگ و ادب این ملت می دانست و همواره در تلاش بود، تا با ترسیم صورتی خوشایند و مناسب، دوران طلایی و شکوفای گذشته را یاد آور شود، تازمینه ساز نجات فرهنگ از هم گسیخته عربی گردد. با این هدف امل دنقل، گاه از میراث عربی و مردمی بهره می جست و گاه از میراث بیگانه، بخشهایی را انتخاب می کرد و با رمز قرار دادن هر کدام، به واقعیت حال اعراب اشاره می کرد، تا آنان را به خود آورد. در واقع بکارگیری همین شخصیتهای قدیمی و گفتگو با آنها با هدف بیداری ارزشهای انسانی در کنار تأکید بر هویت ملی و میهنی، مهمترین ویژگی شعری امل دنقل را تشکیل داده است. این افراد عموماً، شخصیتهایی ثابت ناپذیر و عصیانگری هستند، که هرگز تسلیم نمی شوند. حتی اگر سرکشی آنها از همان آغاز باشکست مواجه شود.

سر انجام این شاعر توانا در واپسین سالهای عمر خود به بیماری سرطان مبتلا شد و پس از تحمل درد بسیار در سال ۱۹۸۳ در گذشت. در حالی که تاریخی درخشان را برای ادبیات عرب به جا نهاد

فهرست مطالب

ب	کلیات تحقیق.....
ب	اهداف پایانامه.....
ب	فرضیه های تحقیق.....
ب	پیشینه موضوع.....
ج	روش تحقیق.....
ج	اهمیت و ارزش کاربردی نتایج پایانامه.....
د	پیش گفتار.....

فصل اول: زندگی و شعر امل دنقل

۲	گذری بر تاریخ معاصر مصر.....
۵	الف- زندگی و شعر امل دنقل.....
۱۱	ب- شخصیت شاعر.....
۱۳	ج- شعر، شاعر.....

فصل دوم، تصویر اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در شعر امل دنقل

۱۹	مقدمه.....
۲۰	الف- اوضاع سیاسی.....
۳۸	ب- اوضاع اجتماعی و فرهنگی.....

فصل سوم، نمادهای تاریخی و اسطوره ای در شعر امل دنقل

۵۴	مقدمه.....
۵۶	الف- اساطیر عربی.....
۵۷	۱- اساطیر جاهلی.....
۷۹	۲- میراث اسلامی.....
۹۲	ب- اساطیر غیر عربی.....
۱۰۱	ج- اشارات تاریخی-دینی.....
۱۰۹	د- شخصیت‌های معاصر.....
۱۱۳	ه- دیگر نمادها.....
۱۲۸	مخلص القول بالعربیه.....
۱	منابع و مراجع.....

کلیات تحقیق (نمادهای ادب مقاومت در شعر امل دنقل)

- تعریف موضوع :

امل دنقل، یکی از شاعران برجسته معاصر در عرصه ادبیات مقاومت می باشد. وی قبل از آنکه، برای از دست رفتن فلسطین، مویه و زاری کند، شدید ترین انتقادات خود را متوجه کشورهای عربی در اعتراض به وضعیت موجود می کرد. او از شیوه های مختلفی برای بیان اعتراضات و انتقادات خود، استفاده می کرد. از جمله این روشها که به نوبه خود در عرصه مقاومت جدید می باشد، استفاده از اساطیر، رموز، شخصیتهای مختلف دوره های متعدد عربی- اسلامی و همچنین میراث دیگر ملل بوده است. در این پایان نامه، تلاش می شود تا ضمن معرفی و اثبات او به عنوان یکی از شاعران پرشور ادبیات مقاومت، به کالبد شکافی این رموز پرداخته شود

- اهداف پایان نامه:

- ۱- شناخت امل دنقل به عنوان یکی از شاعران مطرح عرصه مقاومت .
- ۲- بررسی دیدگاههای سیاسی و شیوه های مبارزاتی وی .
- ۳- معرفی عناصر ادبیات مقاومت در اشعار امل دنقل.

- فرضیه های تحقیق:

- ۱- امل دنقل شاعری سیاسی، مبارز و متعهد به مقاومت است.
- ۲- کاربرد اسطوره از ویژگیهای شعری امل دنقل است.
- ۳- خلاقیت امل دنقل در استفاده از اسطوره ها در شعر مقاومت، اسلوب شعری وی را منحصر به فرد نموده است

- پیشینه موضوع

اگر چه به عقیده برخی از نویسندگان، شعر سیاسی معاصر به دست امل دنقل به اوج رسیده است، اما متأسفانه، این شاعر بزرگ در میان کشورهای عرب زبان تقریباً ناشناخته مانده است. هرچند که تلاشهایی از جانب برخی از دوستان و هم معاصران وی برای راه اندازی همایشی، با عنوان «امل دنقل و دستاورد ها» به مناسبت بیستمین سالگرد وفات او و به منظور بررسی بیشتر اشعار وی و شناسایی آن به اهل ادب، صورت گرفته است، اما تبلیغات کم حجم آن نتوانسته است، که وی را به طور کامل، معرفی کند. با

وجود چنین امری (ناشناخته ماندن وی در میان اهل ادب عرب زبان)، موقعیت این شاعر در میان دیگر ملتها نیز به راحتی متصور می باشد. این شاعر بزرگ در ایران تقریباً به صورت تام ناشناخته مانده است. و تاجایی که نگارنده اطلاع دارد، تا به حال تحقیق خاصی راجع به شخصیت وی به زبان فارسی به نگارش در نیامده است.

- روش تحقیق:

در این پایان نامه، علاوه بر استفاده از منابع کتابخانه ای و اینترنتی، تکیه بر استنباطهای شخصی از مجموعه کامل دواوین امل دنقل، با کمک منابع قلیلی که در دسترس می باشد، شده است. در حقیقت روش تحقیق در این پایان نامه، تحلیلی توصیفی می باشد.

- اهمیت و ارزش کاربرد نتایج پایان نامه:

با توجه به کمبود منابع، در زمینه شناخت شعرای معاصر عرب در ایران، به نظر می رسد، وجود تحقیقاتی اینچنین، با هدف غنی سازی منابع مورد نیاز دانشجویان زبان و ادبیات عربی و علاقمندان به ادبیات مقاومت، ضرورت دارد. علاوه بر آن پژوهشهایی اینچنین ضمن آنکه باعث معرفی، شناخت و بررسی آراء و اندیشه های سیاسی اجتماعی و ادبی شاعران جوان عرصه مبارزه و مقاومت می شود، کمک شایانی به رشد، حرکت و پویایی شعر عربی به ویژه ادبیات مقاومت دارد.

ادبیات معاصر عرب، پس از تشکیل یک دولت کاملاً یهودی، در دهه چهارم قرن بیستم و در دومین سرزمین مقدس مسلمانان و قبله اول آنان، شاهد تحولات شگرفی در عرصه معنایی خود شد. این تحولات که عمدتاً با نام ادبیات مقاومت از آن یاد می‌شود، با هدف مبارزه و مقاومت تا باز پس‌گیری سرزمینهای اشغالی، ایجاد شد و جریان پر تلاطم خود را با حضور شاعران جوان و پر شور ادبیات به پیش می‌راند. شاید در این دوران، نتوان شاعری را جست، که در این زمینه شعری نسروده باشد، یا کلامی بر زبان جاری ساخته باشد. امل دنقل یکی از شاعران پر شور این عرصه و از تبار اهرام ثلاثه می‌باشد، که تمام توان و همت خود را برای ابراز احساسات خود در مقابل، آنچه که روی داده بود، به کار می‌بست. گویی گرفتار آمدن تکه از سرزمین مسلمان نشین عرب زبان در دام یهودیان بنی اسرائیل، حمیت او را به جوش آورده و جودش را سراسر به پاره ای آتش مبدل ساخته بود. آتشی از خشم و عصیان در برابر تمام آنچه که باعث و بانی چنین حوادثی گشته بود. همچون سیاست، فرهنگ و اجتماع:

آنچه در این پژوهش گردآوری شده است، تلاشی، برای معرفی شیوه های صریح مبارزاتی امل دنقل، چگونگی کاربرد و استفاده از اسطوره های متعدد تاریخی، دینی و باستانی توسط وی می‌باشد. در این تحقیق، پس از آنکه در فصل اول به معرفی اجمالی شخصیت امل دنقل پرداخته شده است، در بخش اول فصل دوم، با همراهی کردن روند فعالیت‌های مبارزاتی وی، بر اساس سیرتاریخی وقایع و همچنین تاریخ سرودن اشعار، به تحولات سیاسی - اجتماعی شخصیتی امل دنقل اشاره شده است. در بخش دوم فصل دوم، حساسیت امل دنقل نسبت به اجتماع ملی و جهان عرب بیان شده است. و در فصل سوم با دیدی تخصصی تر، تلاش گردیده تا با استخراج اساطیر تاریخی، دینی و فرهنگی، که دیوان وی را به دایره المعارفی متنوع تبدیل کرده است، اهداف امل دنقل را در ارائه و تصویر این رموز بیان کند.

فصل اول

زندگی و شعر امل دُنقُل

بسم الله الرحمن الرحيم

گذری بر تاریخ معاصر مصر

زمانی که امل دنفل به عرصه گیتی پا نهاد، مصر در جنگ جهانی دوم به اشغال دولت بریتانیا در آمده بود. در آن زمان تلاشهای آزادیخواهان و وطن پرستان برای رهایی از اشغال، از یک طرف، با زور گویی ابر قدرتهای وقت، و از جانب دیگر با بی کفایتی حاکمان، بی نتیجه مانده بود.

پس از پایان جنگ جهانی، در حالی که هنوز مصر، از اشغال انگلیسیها آزاد نگشته بود، سازمان ملل متحد در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ طرح تقسیم اراضی فلسطین، که به موجب آن، بخش وسیعی از این اراضی در اختیار یهودیان قرار می گرفت، را به تصویب رساند. با وجود آنکه تصویب این پروژه، اعتراض شدید مسلمانان، خصوصا ناسیونالیستهای عرب را به دنبال داشت، اما چیزی نگذشت که در ۱۴ مه ۱۹۴۸، پس از عزیمت کمیسر عالی بریتانیا از مصر، بن گورین^۱ رسماً تشکیل دولت یهود را در تل اوویو اعلام کرد. (ماریان کورنون، ۱۳۶۵؛ ص ۱۴۲)

به وجود آمدن یک دولت کاملاً یهودی، دردومین سرزمین مقدس مسلمانان و قبله اول آنان، برای جهان اسلام و اعراب بسیار سنگین بود. به همین جهت سران اعراب با هدف باز پس گیری اراضی اشغالی، به فکر ایجاد ارتشی متحد و متشکل از دول عرب افتادند. پس از اعلان جنگ قوای عرب متشکل از اردن، عراق، سوریه و لبنان، علیه اسرائیل، مصر نیز به آنان پیوست و رسماً وارد جنگ شد. اما این جنگ، نه تنها شکست مفتضحانه ای را برای اعراب به دنبال آورد، بلکه راه را برای دست اندازی اسرائیل به دیگر سرزمینهای حاشیه فلسطین باز نمود.

شکست سنگین اعراب در این جنگ، که فرماندهی آن برعهده حکومت مصر بود، علاوه بر آنکه باعث تضعیف روحیه و سلب اعتماد مردم نسبت به حکومت شده بود، زمینه سقوط حکومت پادشاهی مصر، که در آن زمان، در دست ملک فاروق بود، را فراهم آورد. در سال ۱۹۵۰ حزب «وفد» در انتخابات پیروز شد و پادشاه را مجبور کردند، «مصطفی النحاس» را به عنوان رئیس جمهور وقت منصوب کند. در ژوئیه ۱۹۵۲

^۱ - یکی از بزرگان صهیونیزم

عده ای از نظامیان موسوم به افسران آزاد یا ضباط الاحرار^۱، با یک کودتای از پیش طراحی شده، ملک فاروق را بر کنار کردند و «محمد نجیب» را به عنوان رئیس جمهور و «جمال عبد الناصر» را به سمت وزیر کشور و معاون نخست وزیری وقت منصوب کردند. این اولین باری بود که مصر در طول تاریخ پر هیاهوی خود از حکومت پادشاهی عاری شده بود (نجابتی، ۱۳۶۶؛ ج ۴؛ ص ۱۰۹)

این تغییر حکومت و ایجاد دموکراسی نیز، نتوانست خواسته ها و آمال ملت مظلوم و آزادیخواهان را، در جهت حفظ آرامش و تأمین امنیت برآورده سازد. پس از مدتی، این حکومت نوپا، در پی تحکیم پایه های قدرت خود و سرکوب مخالفان و منتقدان، اقدام به دستگیری و زندانی کردن و منحل کردن برخی از احزاب و گروههای سیاسی کرد و آزادی عمل را از آنان سلب نمود. همچنین در این دوره، سودان، که تا آن زمان، تحت حکومت مشترک مصر و انگلستان بود، در سال ۱۹۵۳ استقلال خود را از مصر اعلام کرد.

این چنین اقداماتی، اعتراضات و انتقاداتی را از جانب قشر روشنفکر جامعه و وطن خواهان به دنبال آورد. اما حاکمان وقت در پی فرو نشاندن این اعتراضات، حتی ژنرال «محمد نجیب» را که با اقدامات آنان سر سازش نداشت، در سال ۱۹۵۵ بر کنار و «جمال عبد الناصر» (۱۹۱۹-۱۹۷۰) را به جای او بر کرسی ریاست نشاندند. او ناسیونالیستی پرشور بود و با هدف اصلاحات و ساختن کشوری آزاد و عاری از استعمار روی کار آمد. وی در ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۶ کانال سوئز را ملی اعلام کرد. (نجابتی، ۱۳۶۶؛ ج ۴؛ ص ۱۴۸)

ملی شدن کانال سوئز باعث شد، تا پاریس و بریتانیا، که مصالح و منافع مادی کشورشان با این اقدام در معرض خطر واقع می شد، با همکاری اسرائیل به اسکندریه هجوم برده و شهر پرت سعید را به اشغال خود در آورند. این دومین رویارویی اسرائیل و اعراب، پس از تشکیل دولت یهود بود. هرچند که این جنگ، مدت زمان زیادی طول نکشید و با مداخله آمریکا و تهدید او مبنی بر استفاده از بمب اتم، با عقب نشینی این دولتها خاتمه یافت، اما این مداخله آمریکا در حل بحران، زمینه را برای حضور او در منطقه فراهم آورد.

جمال عبدالناصر که متمایل به بلوک شرق بود، پس از آن به دنبال ایجاد یک ملت واحد عربی بود. در پی رسیدن به این هدف و تشکیل ناسیونالیسم عربی، سوریه در سال ۱۹۵۸ به مصر پیوست و جمهوری عربی متحده تشکیل شد. مدتی بعد، با الحاق یمن به آنها، دول متحده عربی ایجاد شد. اما این اتحاد به دلیل رسوخ اختلافات میان سه طرف، مدت زیادی دوام پیدا نکرد. بعد از این ماجرا، جمال عبد الناصر در پی تجهیز نیرو به قصد حمله به اسرائیل بود، که یهودیان ابتکار عمل را به دست گرفتند و در ۵ ژوئن در سال ۱۹۶۷ طی دو ساعت و نیم حمله هوایی به فرودگاهها، نیروی هوایی و پادگانها، توان اعراب را از کار انداختند. پس از این حادثه جمال عبد الناصر مجبور به پذیرش آتش بس شد. این جنگ که سومین رویارویی اعراب و اسرائیل بود، به شکست حیزران معروف شد و باعث شد تا اسرائیل به بلندبهای جولان، کناره غربی غزه، بخشی از صحرای سینا و .. سیطره یابد.

۱ - تشکیلات سری عده ای از ارتشیان که در سال ۱۹۴۹ با حضور افرادی چون جمال عبد الناصر، انور سادات... تأسیس شد.

سال ۱۹۷۰ جمال عبد الناصر در اثر سکنه قلبی از دنیا رفت و «انور سادات» یکی از اعضای گروه افسران آزاد به جای او تکیه زد. او پس از تحکیم پایه های قدرت خود، برخلاف جمال عبد الناصر، رو به سوی بلوک غرب کرد و از شوروی کناره گرفت. وی، پس از غلبه بر برخی از مشکلات داخلی توانست، بوسیله هم پیمان شدن با برخی دول عربی و فراهم کردن ارتشی منظم، در رمضان سال ۱۹۷۳ در عملیاتی به نام بدر و در صحرای سینا به اسرائیل حمله کند و خسارات زیادی را به آنان وارد آورد. اما با وجود پیشرفتهای چشمگیر اعراب، ورق به نفع یهودیان برگشت و معاهده کمپ دیوید با حضور انور سادات در قدس بسته شد.

این پیمان اولین پیمان صلح طرفین جنگ اعراب و اسرائیل بود، که به صلح میان مصر و اسرائیل انجامید. انور سادات نیز اولین رئیس جمهور وقت یک کشور عربی، از طرفین جنگ بود، که به صلح با این رژیم و به رسمیت شناختن آن اقدام کرد. این معاهده مابین انور سادات و مناحیم بگین^۱ پس از دوازده روز مذاکرات مخفی مصر و اسرائیل و با میانجگری آمریکا در کمپ دیوید^۲ نهایی شد و با حضور جیمی کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸ به امضاء رسید.

از مهمترین مواد این معاهده می توان به صلح مصر و اسرائیل، تخلیه صحرای سینا و استرداد کامل آن از سوی اسرائیل به مصر که در طی جنگ شش روزه توسط یهودیان اشغال شده بود و همچنین آغاز مذاکرات جهت خود مختاری فلسطین در کناره باختری رود اردن و نوار غزه، اشاره کرد، که به دنبال این پیمان دو طرف قرارداد، اقدام به تبادل سفیر و آغاز عادی سازی روابط دیپلماتیک مابین طرفین کردند.

هرچند که امضای این توافق نامه، در افکار عمومی غرب، باعث به وجود آمدن امید آشتی و صلح میان اعراب و اسرائیل و آغازی برای صلحی به ظاهر پایدار در خاورمیانه شد و حتی بنیاد صلح نوبل در سال ۱۹۷۸، جایزه صلح خود را به طور مشترک به انور سادات و مناحیم بگین اعطا کرد، اما مصر نقش خود را در رهبری دول عرب از دست داد. حتی سران دول عرب، نشستی را بدون حضور مصر برگزار کردند.

از درون جامعه مصر نیز مخالفت های زیادی با اقدامات وی صورت گرفت. اما انور سادات در فکر تحکیم پایه های قدرت خود، با تغییر قانون اساسی، حکومت را دائمی کرد و سپس عده زیادی از مخالفین، متفکرین و نویسندگان را بازداشت کرد. البته با وجود مخالفت های داخلی و خارجی، اعتراضات دانشجویان و اندیشمندان و تحریم های کشورهای مسلمان، خصوصاً اعراب مبنی بر کنار گذاشتن مصر، انور سادات به فعالیتهای خود و ارتباط با اسرائیل افزود، تا اینکه در سال ۱۹۸۱ یعنی دو سال پس از امضای معاهده کمپ دیوید در هنگام یک رژه نظامی به دست «خالد اسلامبولی» ترور شد و حسنی مبارک به جای او براریکه قدرت تکیه زد (نجاتی، ۱۳۶۶؛ ج ۴)

^۱ - نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی

^۲ - یکی از استراحتگاه های مقام ریاست جمهوری آمریکا

الف- زندگی امل دنقل

«امل فهیم ابو القاسم محارب دنقل» در سال ۱۹۴۱ در روستای «القلعه» از توابع «فقط»، ۲۰ کیلومتری استان «قنا» در بخش جنوبی مصر (الصعید) ، در خانواده ای فرهنگی چشم به جهان گشود. پدر او «ابوالقاسم فهیم» مردی فقیه ، ادیب ، دانش آموخته دانشگاه قاهره و مدرس زبان و ادبیات عرب بود . درست در همان سالی که او از دانشگاه قاهره ، مدرکش را اخذ نمود ، امل به عرصه گیتی پا نهاد و پدر به خاطر تیمم و تبرک این موفقیت ، فرزندش را امل نامید. این در حالی بود که ، نام امل بیشتر برای دختران مورد استعمال واقع می شد . خانواده ابو القاسم ، متشکل از پدری فداکار ، مادری مهربان و دلسوز و دو فرزند پسر به نامهای امل و انس و دختری کوچک به نام رجاء بود ، که در همان اوایل کودکی ، بهار زندگی اش با خزان به پایان رسید .

پدر که مدرس زبان عربی ، در یکی از روستاهای قنا بود و همه روزه ، آن مسافت را با دوچرخه می پیمود ، خود شاعر بود و به سبک سنتی شعر می سرود. وی همچنین دارای کتابخانه ای نسبتاً بزرگ ، از انواع کتب ادبی ، دینی ، فرهنگی ... بود ، که سنگ بنای اولیه فرهنگ و اندیشه شاعر ما را می نهاد .

امل دوران ابتدائی را در یک مدرسه دولتی در سال ۱۹۵۲ آغاز کرد. اما هنوز این مرحله را به پایان نرسانده بود که ، محفل کوچک و گرم آن خانواده ، با مرگ پدر ثبات خود را از دست داد و بار سنگین مسئولیت آن ، به دوش امل ده ساله افتاد . گویی که برای تربیت انسانهای بزرگ ، غم بزرگترین آغوشی است ، که چنین انسان هایی را در خود پناه می دهد. پدر از دنیا رفت و خانواده تحت عنایات و توجهات خاص مادر جوان ادامه مسیر داد. مادر امل با وجود جوانی خود ، مسئولیت تربیت فرزندان را به عهده گرفت. او توجه خاصی به فرزندان خود از جهت حسن ظاهر ، اخلاق ، روابط اجتماعی و ... داشت. (امل و ... میض تغاله العتمه - خیری حسن)

امل دنقل دوران ابتدایی و راهنمایی را بر اساس نظام قدیم و با نمرات عالی به پایان رساند و وارد دبیرستان شد. در سال اول دبیرستان بود ، که گرایشات و تمایلات علمی در او آشکار گردید و خود را آماده پیوستن به جامعه علمی کشور و ورود به دانشگاه و تحصیل در یکی از رشته های فنی یا تجربی کرد. اما تحول عجیب او در این دوران رخ داد و او پس از آنکه ، دو تن از دوستان نزدیکش «عبد الرحمن الابنودی» ، شاعر عامی مصر و همکلاسی او و همچنین «سلامه آدم» متفکر بارز مصری و همبازی دوران کودکیش ، طریق ادبیات و هنر را انتخاب کردند ، او نیز راه آنان را برگزید و به سوی هنر پیش رفت . (امل و ... میض تغاله العتمه - خیری حسن)

امل توانایی و استعداد آن را داشت که در یکی از رشته های علمی ادامه تحصیل دهد ، اما این بدان معنا نیست ، که او از عرصه شعر و هنر به دور بوده است . او در خانواده ای پرورش یافته بود ، که پدر ، میراثی بزرگ از کتب مختلف ادبی ، دینی ، فرهنگی ، و هنری را برایش به ارث گذاشته بود . وی از همان کودکی با

این کتب آشنا گشته و از همان زمان بود، که کتاب دوست تنهایی های وی و مطالعه عادت همیشگی او شده بود. این پیشینه، راه را برای موفقیت امل دنقل در عرصه شعر و هنر هموار می کرد.

دنقل هنوز دبیرستان را به پایان نرسانده بود، که قصاید بلندخود را به مناسبت های مختلف و اعیاد ملی و میهنی، در مدرسه قرائت می کرد. سرودن چنین قصایدی، با معانی دقیق و والا و محتوایی زیبا، حسادت اطرافیان او را برانگیخت و شک و تردیدهای آنان را، در مورد صحت انتساب این اشعار به او افزایش می داد، تا حدی که اکثریت آنان معتقد بودند، که این اشعار، سروده های پدر و یا جد امل است، که او با دست کاری آن، اشعار را به خود نسبت داده است و به نام خود می خواند. عده دیگری براین نظر بودند، که این سروده ها، اشعار دیگرشاعرانی است که وی در میان کتابخانه پدرش به آنها دست یافته است و به اسم خود می خواند. زمانی که امل از این اظهارنظرها اطلاع پیدا کرد، هجویه ای بلند و نیش دار خطاب به آنانی که او را قادر به سرودن چنین قصایدی نمی دانستند، سرود. سرایش این هجویه علاوه بر آنکه زبان کینه توزانش را خاموش کرد، روح اعتماد به نفس را در وجود امل تقویت کرد و باعث شد تا امل دنقل، به این قدرت عظیم و موهبت الهی در وجود خویش پی برده و آن را بیش از پیش باور کند. و به آن ایمان بیاورد. از آن به بعد امل دنقل برای بالا بردن سطح اطلاعات فرهنگی - ادبی خود، شروع به خواندن و مطالعه دواوین شعرا کرد. این تمرکز بیش از پیش و بر روی شعر و هنر، باعث شد تا امل از دروس دیگرش باز بماند تا جایی که منجر به پایین آمدن نمرات او در دوران دبیرستان در سال ۱۹۵۷ شد. با وجود این امر، وی، ورود خود را به عرصه شعر و ادب، با انتشار قصایدی در مجله دبیرستان قنا اعلام کرد. این مجله در سال ۱۹۵۷، اشعاری از امل دنقل را در زمان جنگ سه جانبه اسرائیل، انگلیس و فرانسه و اشغال شهر پرت سعید به دنبال ملی شدن کانال سوئز منتشر کرد. برخی از آن اشعار در زیر اشاره شده است

1- یا معقلاً ذابت علی أسواره کل الجنود

2- حشده العدو جیوشه بالنار والدم والحديد

3- ظمى الحديد فراح ينهل من دم الباغى العنيد

4- قصص البطولة والكفاح عرفتها يا بورسعيد

۱- ای پناهگاهی که بر روی دیوارهایش، سربازان افتاده اند

۲- دشمن نیروهایش را با آتش و آهن و خون، جمع کرده است

۳- آهن تشنه گشت و از خون یاغیان کینه توز سیراب گردید

۴- داستانهای جوانمردی و مبارزه ای که توای پرت سعید، به خوبی می دانی و می شناسی

در شماره بعدی، این مجله با اختصاص دادن یک صفحه کامل به امل، قصیده «عید الامومه» را از او منتشر کرد.

۱- أریج من الخلد .. عذب عطر وصوت من القلب فيه الظفر

۲- وعید له یهتف الشاطان وإکلیه من عیون الزهر...

۳- ومصر العلاء .. أم كل طموح.. إلى المجد شدت رحال السفر

۴- وأمی فلسطين بنت الجراح ونبت دماء الشهيد الخضر

۵- یؤجج تحنائها فی القلوب ضراما علی نائرها المستمر

۶- وأمی كل بلاد... تشور أضاالعها باللظى المستطر

۷- تمج القيود... وتبني الخلود تعید الشباب a لمجد غیر

۸- فإن الدماء ترف الدخیل إلى القبر.. رغم صروف القدر

۹- وتنسج للشعب نور العلاء بحریه الوطن المنتصر

۱- بویی معطر از بهشت .. خوشبو و صدایی از قلب که همراه با نوای پیرزوی است

۲- و عیدی که کرانه های رود نیل برای او فریاد می کشند و بهترین دسته گلها را تقدیمش می کنند

۳- مصر همه بزرگیها .. و آرزوها به سوی مجد.. بار سفر بسته است

۴- و مادرم فلسطین دختر زخم و جراحت و میوه سر سبز خون شهیدان است

۵- مهربانیش آتش خشم را برغلیه دشمنان قسم خورده اش در دلها بر می افروزد

۶- مادر من همه سرزمینهایی است که سینه هایش از آتش پراکنده به جوش و خروش در آمده است

۷- بندها را می گسلد و جاودا نگی می سازد و جوانان را به مجد غبار گرفته باز می گرداند

۸- چرا که خون (شهیدان) به آنان که بر خلاف خواسته های قضا و قدر و به میل خود مرده اند بشارتی

نیکو و فرخنده می دهد

۹- و برای وطن با (تار و پود) بزرگی و آزادی وطن همیشه پیروز حامه ای زیبا می بافد

(امل و... میض تغتاله العتمه - خیری حسن)

امل در سال ۱۹۵۸ در رشته زبان و ادبیات عرب در دانشگاه قاهره پذیرفته شد. این زمان بهترین فرصت ممکن برای پیشبرد هنر شاعر در سرودن شعر بود. اما او فقط یک سال توانست در قاهره دوام بیاورد. قاهره نتوانست روح بلند و سرکش و نفس آزاد او را در خود جای دهد. امل دنقل سفرش به قاهره و ناامیدی از رسیدن به آرزوهایش را در قصیده «المدینه الفضیه» اینچنین باز گو می کند:

- ۱- کنت لا أحملُ الا قلماً بين ضلوعى
- ۲- کنت لا أحملُ الا قلمى
- ۳- فى يدى : خمسُ مرايا
- ۴- تعكسُ الضوءَ (الذى يسرى إليها من دمی)
- ۵- "إفتحوا الباب"
- ۶- فما ردَّ الحرسُ
- ۷- "إفتحوا الباب . أنا أطلبُ ظلاً .."
- ۸- قيل : "كلًا"

- ۱- من جز قلمم، در سینه ام چیزی ندارم
- ۲- من جز قلمم هیچ ندارم
- ۳- در دستم پنج آینه است
- ۴- که نور را منعکس می کنند (نوری که خون من در آن جریان دارد)
- ۵- در را باز کنید
- ۶- نگهبان جوابی نداد
- ۷- در را بکشاید من به دنبال سایه هستم
- ۸- گفتند: هرگز

امل در امتحانات دانشگاه شرکت نکرد و بعد از آن، از دانشگاه اخراج شد و به قنا بازگشت و در دادگستری آن شهر مشغول به کار شد. اما عشق و علاقه وافر دنقل به شعر وادب و مشغول شدن به آن ، مانع از آن شد، تا وی و وظیفه خود را در محل کارش به درستی انجام دهد. به ناچار آن را رها کرد و به اسکندریه رفت و در آنجا شروع به کار کرد. اودر اسکندریه چهار سال اقامت گزید و در گمرک آنجا مشغول به کار شد. سخنان زیادی در مورد کناره گیری او از شعر و سرایش آن ،در این مدت مطرح می شود. اما آنچه که از سروده هایش و تاریخ سرایش آنها پیدا است ،این است که امل در این مدت تنها ،تعداد اشعار خود را،یعنی کمیت سرایشهایش را تقلیل داد است ،نه اینکه به طور کامل از سرودن شعر دست بر دارد . در واقع این دورانی بود، که به گفته خودش دچار نوعی بحران روحی که خود آن را بحران آزادی می نامید، شده بود: « در آن زمان گروههای زیادی از نویسندگان، متفکرین، و منتقدین ،در زندان به سر می بردند . به نظر من آن فضایی که در آن نویسنده و متفکر را باز داشت می کردند ،شایسته آن نبود که من خود را به آن منتسب کنم یا از آن دفاع بکنم » (فاضل ۱۹۸۴ ص ۳۵۳).

امل دنقل در این مدت با روی آوردن به مطالعه علوم و کتب مختلف، سعی در بالا بردن سطح فرهنگ و اندیشه شعری خود نمود. در نظر وی ادبیات با تمام علوم دیگر از قبیل تاریخ، فلسفه، سیاست و... آمیختگی تنگاتنگی دارد و وی برای اینکه بتواند به شاعری توانا بدل گردد، می بایست بیشتر بداند. به همین جهت با کم کردن تعداد سرایشهایش، بیشترین وقت خود را صرف مطالعه نمود.

امل دنقل سپس اسکندریه را به قصد شهر سوئز در مصر ترک کرد و به عنوان کارمند در گمرک آن شهر، دو سال مشغول به کار شد. این آخرین ایستگاهی بود که وی به آنجا نقل مکان کرد. سپس به قاهره رفت و تا آخر عمرش در آنجا رحل اقامت گزید. در مدت حضورش در سوئز، در انجمنهای ادبی، چه قهوه خانه ها و چه در منازل، شرکت می کرد و سروده هایش را قرائت می کرد. در این مدت با افرادی چون محمد محفوظ، احمد حافظ، الکاتبن الغزالی، مصطفی نجا، محمد عطا..... آشنا شد و پیوند دوستی با آنان برقرار کرد (فی السویس بکیت حاجتی الی الصدیق - محمد الراوی)

قصیده سوئز (سویس) وی چیزی جز فریادی دیگر از آلام شاعر در بیان ویرانی این شهر بر اثر جنگ نیست

۱- و الآن... وهی فی ثیاب موت و الفناء

۲- تحصرها النیران... وهی تلین

۳- أذکر مجلسی اللاهی علی

۴- مقاهی (الأربعین)

۵- بین رجالها الدین

۶- یقتسمون خبزها الدامی و صمتها

۷- الحزین

۸- و یفتح الرصاص فی صدورهم

۹- طریقنا الی البقاء

۱۰- ویسقط الأطفال فی حاراتها

۱- الان.. و او در لباس مرگ و نابودی

۲- آتش او را محاصره کرده است در حالی که او آرام است

۳- مجلس انس و چله نشینی را را به یاد می آورم در

۴- قهوه خانه ها (چهارشنبه ها)

۵- در میان مردانی که

۶- نان خونین و سکوت

۷- محزونش را میان خود قسمت می کردند

۸- گلولة در سينه هايشان مي گشايد

۹- راهمان را به سوي بقا

۱۰- و كودكان در محلاش به خاك و خون مي افتند

الأعمال الشعريه ص ۱۷۲

سپس به قاهره برگشت و تا آخر عمر در آنجا ماند. با وجود آنكه در محل زندگي اش، ثباتي نداشت و مرتب از شهري به شهر ديگري، نقل مكان مي كرد، اما هرگز از سرودن شعر دست بر نداشت. گويي كه وظيفه و كار اصلي او همان سرودن شعر و هنر بوده است. آنچه انان كه خود او. مي گويد:

- أنا لم أعرف عملاً لي غير الشعر، لم أصلح في وظيفة، لم أنفع في عمل آخر

من شغل ديگري جز سرودن شعر براي خودم نمي شناسم و براي هيچ كار مناسب نيستم و از هيچ كار

ديگري سودي نمي برم.

امل در سال ۱۹۷۶ با روزنامه نگار مجله الاخبار كه براي انجام يك مصاحبه، با وي ديداري داشت، آشنا شد. اين آشنائي محبتي را مابين آن دو به وجود آورد، كه منجر به ازدواج آنان در سال ۱۹۷۸ شد. امل كه قبل از ازدواجش مسكن يا مكان خاصي براي سكونت دائم نداشت، اين بار به همراه همسرش "عبله" الرويني "ساكن مسافرخانه ها شد.

امل اين بار با ازدواجش، آرامش از دست رفته اش را به دست آورد. و آسايش را همراه با "عبله"، تجربه كرد. اما اين زندگي دونفره و شاد آنان نه ماه بيشتر دوام نيافت. چراكه امل دنقل در سال ۱۹۷۹ مبتلا به سرطان ريه شد. (عبله و امل - جمال الغيطاني). اين بيماري كه حدوداً چهار سال همراه او بود، روز به روز پيشرفته تر مي شد، تا اينكه او را راهي مركز ملي غدد قاهره كرد. اتاقي كه امل در آن بستري بود، اتاق شماره هشت نام داشت، كه امل آخرين سروده هايش را در آنجا سرود.

امل دنقل قبل از مرگش مدير نشر و توزيع سازمان همبستگي آفريقا بود، اما اين كار نتوانست براي او سرمايه اي به ارمغان آورد، تا به مداواي خود پردازد. در همين زمان دوستانش به كمك او شتافتند حتي يوسف ادريس «نويسنده مصري و دوست اين شاعر محروم، از دولت تقاضاي كمك براي مداواي او نمود. امل در اين مدت با مرگ دست و پنجه نرم مي كرد. گويي او درگيري و روبرو شدن را، از همان اوایل زندگي اش تجربه کرده بود، تا اينگونه با مرگ رودر رو شود.

سرانجام امل دنقل در ساعت چهار صبح روز سه شنبه يازدهم مايو ۱۹۸۳ در طبقه ششم مركز ملي غدد

قاهره جان به جان آفرين تسليم كرد (الأعمال الشعريه ص ۴۸۶)